

مبنای نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی

معصومه عبدلی^۱

غلامرضا ذکیانی^۲

علیرضا محمودنیا^۳

خسرو باقری^۴

چکیده

هدف: تحقیق حاضر به منظور تبیین روش «وحدت بخشی» امام موسی صدر و الگو برداری از آن صورت گرفته است. **روش:** این تحقیق بر مبنای روش «استنتاجی پس رونده» انجام شده است به این معنا که از عمل امام موسی صدر مبنای فکری او استنتاج شده است. **یافته‌ها:** صدر از عناصر ملیت، قومیت و دین و مذهب برای ایجاد وحدت در لبنان سود جسته است. راهکارهای وی برای وحدت بخشی به مردم: آگاهی بخشی، دعوت به حفظ حاکمیت ملی، مخالفت با فرقه گرایان و تجزیه کشور، تلاش برای تقریب مذاهب و میانجی گری برای رفع اختلافات بوده است. وی تعدد فرق را امتیاز لبنان تلقی کرده و آن را راهی برای تعامل بیشتر انسانها و شکوفایی تمدن بشری دانسته است. **نتیجه گیری:** تأکید صدر بعنوان یک رهبر دینی بر موضوع «وحدت ملی» از رهگذر احترام به حقوق اجتماعی و انسانی مذاهب و فرقه‌ها و موفقیت وی در ایجاد وحدت ملی می‌تواند در موقعیت کنونی جهان اسلام برای کشور ایران الگویی راهبردی تلقی شود.

واژگان کلیدی: امام موسی صدر، وحدت ملی، فرقه گرایان.

دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۱۶؛ تصویب نهایی: ۹۴/۰۹/۱۰.

۱. دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) / آدرس: تهران، دانشگاه خوارزمی، دانشکده علوم تربیتی / نمابر

Email: m.abdoli28@gmail.com / ۸۸۶۸۱۸۸۷

۲. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی.

۳. دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی.

۴. استادگروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران.

الف) مقدمه

امام موسی صدر، ایرانی لبنانی تباری است که به دعوت شیعیان لبنان و توصیه مراجع بزرگ نجف، از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۷۸ رهبر شیعیان لبنان بوده است. وی متفاوت با رویکرد رایج رهبران دینی زمان خود، کمتر در پی طرح مباحث عقیدتی برآمده و در مقام عمل به اصلاح ساختار اجتماعی جامعه خود دست زده است. او در کشاکش درگیری‌های مذهبی و دینی جامعه لبنان که متشکل از ۱۶ فرقه بوده، دست به اقدامات وحدت‌طلبانه زده و فراتر از تعصبات فرقه‌ای یک رهبر مذهبی ظاهر شده است. به طور مثال، در مقام یک واعظ و سخنران در کلیسا و صومعه‌های مسیحی به وعظ پرداخته، به مردم محروم و فقیر غیر شیعی، فارغ از رنگ و نژاد و دین آنها کمک مادی و معنوی کرده است. او در جشنها و مراسم اجتماعی ادیان و مذاهب دیگر شرکت جسته، با سران و رهبران جریانها و گروههای مخالف خود نشست و برخاست کرده است». (کمالیان، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۶)

وی سفرها، نشستها، دیدارها و گفتگوهای بسیاری برای وفاق طوایف، احزاب و فرقه‌های لبنان انجام داده است. دیدارها و تماسهای او، طیف وسیعی از طبقات اجتماعی از جمله: مردم عادی، رهبران طوایف و فرقه‌ها، مسئولان کشوری و لشکری، سفرای خارجی و مسئولان سیاسی کشورها و رهبران مذهبی در سطح خاورمیانه، آفریقا، اروپا و آمریکا را شامل می‌شده است که به جرئت می‌توان گفت اغلب آنها با هدف وحدت‌بخشی صورت گرفته است.

شواهدی چون: تأثیر و نفوذ امام موسی صدر بر جامعه شیعیان و مردم لبنان و اصلاح روابط و مناسبات سیاسی منطقه خاورمیانه و همین‌طور موفقیت‌های چشمگیر او در پایان بخشیدن به نزاعهای فرقه‌ای لبنان و ایجاد وفاق ملی، ما را بر آن می‌دارد که به علت مشابهت‌های بسیاری که زمینه و زمانه‌اش با جامعه ما دارد، به شناخت سبک و سیاق رفتاری او در روش «وحدت‌بخشی» بپردازیم. از سوی دیگر، آنچه شناخت الگوی رفتاری صدر را ضروری می‌کند، وضعیت کنونی جهان، به خصوص در منطقه خاورمیانه است. مناسبات سیاسی و اجتماعی جهان در ابتدای قرن بیست و دوم، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، به سوی عقلانیت و خرد جمعی پیش نرفته است. افراطی‌گری و جریانهای خطرناک تکفیری با وجود آنکه برآمده از مناسبات ظالمانه و نقشه‌های استعماری‌اند، در زمانه ما فرصت ظهور و بروز یافته‌اند و نشان از سستی پیوندهای ملی و منطقه‌ای کشورها دارند. تجربه موفق امام موسی صدر در وحدت‌بخشی می‌تواند در جامعه‌ای مشابه، الگوی کارآمد و مناسبی برای رهبران دینی و سیاسی ملت‌ها باشد. لذا در این مقاله سعی می‌شود به منظور تبیین «روش وحدت‌بخشی» امام موسی صدر، به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

۱. چه عناصری برای وحدت‌بخشیدن به جامعه لبنان مورد توجه صدر قرار گرفته است؟
۲. امام صدر در چه حوزه‌هایی اقدام به اجماع‌سازی و «وحدت‌بخشی» کرده است؟

۳. امام صدر برای تحقق «وحدت ملی» از چه شیوه‌ها و راهکارهایی سود جست است؟

۱. توجه امام موسی صدر به عناصر وحدت‌بخش

به نظر می‌رسد امام صدر برای وحدت بخشیدن به جامعه متکثر و متنوع لبنان که مرکب از ۱۶ فرقه و بستر ظهور سه تمدن گوناگون است، به عناصری توجه کرده که می‌توانسته‌اند موجب قوام و یکپارچگی آن شوند. عنصر اول، ملیت و میهن‌پرستی است. امام صدر از این عنصر که قدر مشترک تمامی مردم لبنان است، در موقعیتهای مختلف، به خصوص جنگ داخلی بهره می‌گیرد و بر آن تکیه می‌کند. از نظر وی، واژه ملت با مردم تفاوت دارد: «ملت یعنی وجود وحدت و فکر و رسالتی واحد که بر دوش مردم قرار دارد و موارد اختلاف را در کوره‌ای می‌گذارد و ذوب می‌کند و همه را به وجودی منسجم و یگانه تبدیل می‌کند.» (صدر، ۱۳۹۲/ب: ۳۹۸)

از این رو، با تأکید بر این آرمان بزرگ و حقیقی که در نهاد بشر وجود دارد، از عوارض فرقه‌گرایی منفی که موجب سستی و ضعف یک ملت می‌شود، پرهیز می‌دهد: «وطن‌دوستی نه شعار است و نه کسب و کار و نه کالایی که بتوان با آن معامله کرد، بلکه وطن تجلی‌گاه ابعاد وجود انسان و مقوم شالوده کرامت او و مجالی برای رسالت‌های اوست و باید با فداکردن جان از آن دفاع کنیم، هر چند از نظر قدرت و عده با دشمن برابر نباشیم.» (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۶: ۱۵۳)

صدر با درک این نکته که ریشه اصلی فرقه‌گرایی، نیاز انسان به حمایت فرقه‌اش بوده است، راه حل اختلافات فرقه‌ای را حمایت دولت از حقوق افراد می‌داند تا احساس وابستگی به قبیله به عنوان یک نیاز ذهنی و روانی از میان برود (همان، ج ۲: ۳۶۷). از این رو، ضمن دعوت مردم به یکپارچگی حول محور میهن‌دوستی، وظیفه کشور را حمایت از حقوق انسانها می‌داند تا مفهوم وفاداری نسبت به وطن تعمیق یابد.

دومین عنصری که صدر حول آن مردم را دعوت به وحدت می‌کند، عنصر قومیت و عربیت یا پان‌عربیسم است. صدر به هنگامه درگیری‌های داخلی لبنان، عربیت را تنها تضمین استوار همزیستی در لبنان می‌شمرد (همان، ج ۷: ۲۰۲) و به کرات پیوند قومیت عربی مردم را خاطر نشان می‌سازد تا هویت فرهنگی و تاریخی مردم لبنان را وسیله وحدت ایشان قرار دهد: «همبستگی عربی و ملی‌گرایی حقیقی، شعارهایی زیبا نیستند تا با آنها سرود بخوانیم و در کتابها و مراسمهای خود از آنها بهره‌برداری کنیم؛ این دو واقعیتی انسانی هستند.» (همان، ج ۵: ۳۰۱)

به نظر می‌رسد امام صدر با یادآوری فرهنگ و تمدن عربی، نه تنها فرقه‌ها و احزاب گوناگون لبنان را به هم می‌پیوندد، بلکه لبنان را به عنوان دروازه تمدن غرب در خاورمیانه، به هویت مستحکم و قدیمی خویش احاله می‌دهد و البته از این عنصر برای همبستگی بیشتر لبنان با کشورهای عرب همسایه در تقابل با رژیم آپارتاید صهیونیستی بهره می‌گیرد. از نظر صدر، پان‌عربیسم می‌تواند به اتحاد جهان عرب نیز کمک

کند؛ اگر در لبنان امت مارونی شکل بگیرد، نه تنها اتحاد و همزیستی مسالمت‌آمیز مردم لبنان را تهدید می‌کند، بلکه مسیحیان سوریه و مصر را نیز به جدایی از ملت خویش تحریک می‌کند. این مسئله از نظر صدر از وجود رژیم صهیونیستی خطرناک‌تر است؛ زیرا رژیم غاصب دومی درون دنیای عرب شکل گرفته است. (همان: ۲۱۷)

عنصر سومی که صدر در وحدت‌بخشیدن به جامعه از آن بهره می‌گیرد، عنصر دین و مذهب است. هر چند تنوع ادیان و مذاهب می‌تواند تهدیدی برای «وحدت ملی» تلقی شود، اما صدر با تعریف جدید از دین که مبنای نگرش و عمل او نیز است، این تهدید را به فرصت تبدیل می‌کند. وی با حضور پرشمار در مجامع علمی و مکانهای مذهبی و دعوت پیروان ادیان مختلف به هدف اصلی و فراموش شده دین؛ یعنی خدمت به انسان، نقش مهمی در وحدت‌بخشی به ادیان می‌کند. عمل و گفتار او مؤید چنین مطلبی است: «یکی از باورهای قرآنی، ایمان به کتب و پیامبران الهی است... پیامبران همه فرستاده‌های یک خدا برای یک انسان هستند؛ این یکی از مفاهیم بنیادین اسلام است و ثمره‌اش در مرحله اول گشودگی در مقابل ادیان دیگر و احترام به آنها و ارتباط سهل بدون عقده با آنها و جدا نیفتادن از آنهاست». (صدر، ۱۳۹۲/الف: ۱۴۵)

۲. حوزه‌های مورد توجه امام موسی صدر برای وحدت‌بخشی (یک) طوایف

صدر تلاش بسیاری برای ایجاد آشتی میان طوایف لبنان صورت داد. وی با بزرگان لبنان در مورد راههای ایجاد آشتی، دیدار و گفتگوهای متعددی کرد. جراید لبنان به حداقل ۱۰ مورد از آشتی طایفه‌های متخاصم توسط وی اشاره کرده‌اند. (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۳: ۲۱، ۲۷، ۱۶۴، ۱۹۸؛ ج ۴: ۷، ۸۸، ۱۴۰؛ ج ۵: ۲۲، ۳۷، ۹۶)

از عوامل تفرقه بین فرقه‌های لبنان می‌توان به سنت ریشه‌دار انتقام‌جویی و خونخواهی اشاره کرد که جامعه را به سمت قبیله‌ای شدن سوق می‌داده است. امام صدر به همراهی برخی بزرگان، در پی محو این عادت برآمد. اولین قدم از سوی وی، تنظیم پیمان‌نامه‌ای مبنی بر ترک این عادت ناپسند و مسئول دانستن شخص قاتل و سپس گرفتن امضا از قبایل و درخواست وفاداری به این سوگندنامه بوده است. (همان، ج ۲: ۴۵۵)

(دو) مذاهب و فرّق

امام صدر مکرراً در سخنان خویش بر وحدت مذاهب تأکید می‌کند و هدف همه آنها را یکی می‌شمرد: «هدف اسلام است و مذهب فقط وسیله و راه است و مسلمان پایبند نمی‌تواند هدف را فدای راه کند... بدون شک در تعالیم و احکام، اختلافاتی میان مذاهب اسلامی وجود دارد، اما ما می‌دانیم که همه، اصول و ارزشهای یکسان و کتاب و قبله واحد دارند و این اختلافات در جایگاه مناسبت اتحاد مسلمانان را دگرگون نمی‌کند، بلکه آن را تأیید و امر اجتهاد را آسان می‌کند». (صدر، ۱۳۹۲/الف: ۱۶۴)

سه) ادیان

به نظر می‌رسد که صدر به عنوان یک رهبر دینی از موضوع تعدد ادیان در لبنان به خوبی استفاده کرده است. ارتباط و همکاری مستمر با سایر رهبران دینی لبنان و جهان، از پایین‌ترین سطح؛ یعنی روحانیون محلی تا بالاترین سطح آن؛ یعنی پاپ، اقدامات و پیمانهای مشترک، حضور و سخنرانی در مجامع و مجالس و مراکز دینی غیر فرقه خود، نظیر دیرها و صومعه‌ها و کلیساها و متعاقب آن طرح مبحث وحدت ادیان، مبین توجه و استفاده صدر از ظرفیت دین برای وحدت‌بخشی به جوامع انسانی است.

چهار) گروههای سیاسی

لبنان در سالهای حضور صدر، جولانگاه گروههای متعدد چپ و راست بوده و در هنگامه اوج‌گیری جنگ سرد میان دولتهای آمریکا و شوروی و متحدان آنها، در منطقه قرار داشته است. حضور رژیم صهیونیستی در همسایگی لبنان و وجود گروههای مبارز فلسطینی ساکن لبنان و جنگهای پارتیزانی آنها با رژیم غاصب و تهاجم هر روزه اشغالگران به لبنان و تحریک گروههای سیاسی کشور لبنان برای درگیر شدن با مبارزان مقاومت فلسطینی، صحنه لبنان را پر آشوب می‌نماید. از این رو، فضای ملت‌هت و پرتنش سیاسی کشور محتاج ائتلاف و همگرایی احزاب و جناحهاست و این وظیفه‌ای است که صدر به عنوان یک رهبر سیاسی به خوبی از عهده ایفای آن برمی‌آید.

پنج) کشورهای منطقه

شواهد بسیاری حاکی از تلاش صدر برای آشتی دادن کشورهای منطقه است. یکی از این نمونه‌ها، دیپلماسی فعال وی در کویت، عربستان، سوریه، اردن و مصر برای ایجاد آشتی میان مصر و سوریه به منظور تشکیل محدود کنفرانس اسلامی و پایان دادن به جنگ داخلی لبنان است. (مرکز بررسی اسناد، ۱۳۸۰: ۳۴)

۳. راهکارهای صدر برای وحدت‌بخشی

یک) آگاهی‌بخشی

صدر، مشکل بزرگ لبنان را عدم آگاهی مردم نسبت به وجود دشمن مشترک می‌داند (صاهر، ۲۰۰۰، ج ۶: ۴۹) و قسمت اعظم گفتگوهایش در تعاملات و دیدارها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و جلسات مشترک با گروهها، فرقه‌ها و سیاسیون، صرف آگاهی‌بخشی شده است. در حقیقت؛ او در زمینه آگاهی‌بخشی به توده‌ها برای درک وضعیت مخاطره‌آمیز لبنان، فرصتهای بسیاری خلق کرده است. به عنوان مثال، به مناسبت عید پاک مسیحی در روزنامه، مقاله چاپ کرده است (همان، ج ۱: ۱۸۴) یا در دانشگاههای آلمان برای دانشجویان سخنرانی و با روزنامه‌نگاران آلمانی گفتگو کرده (همان، ج ۲: ۲۹۸) یا در مسجد الازهر مصر برای ده‌ها هزار مسلمان، خطبه نماز جمعه ایراد کرده است. (حجتی کرمانی، ۱۳۶۴: ۲۵۱)

دو) دعوت مردم به میهن‌دوستی و حفظ حاکمیت ملی

امام صدر از بدو ورود به لبنان، شیعیان را دعوت به تلاش برای حفظ حاکمیت ملی لبنان می‌کند (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۱: ۱۷۷). فارغ از آنکه میهن و وطن در مبنای فکری امام صدر چه جایگاهی داشته است، استفاده وی از عنصر میهن‌دوستی و ملی‌گرایی در وحدت‌بخشی به جامعه متفرق لبنان، قابل تأمل است: «خداوند گواه است که ما به این کشور ایمان داریم و برای محافظت از موجودیت و کرامت آن تلاش می‌کنیم و در راه دفاع از آن، جان خود را فدا می‌کنیم». (همان، ج ۵: ۵۳)

امام صدر در وصف اهمیت دفاع از میهن و خطر تجزیه آن در اثر منازعات فرقه‌ای، جمله عجیبی دارد: «اگر قرار باشد لباس روحانیت، مرا از مقاومت و فداکاری در راه دفاع از میهن بازدارد، بی‌درنگ آن را کنار می‌گذارم». (فرخیان، ۱۳۸۵: ۴)

سه) مخالفت شدید با فرقه‌گرایی و پرهیز از آن

چنانکه پیش‌تر اشاره شد، نظام سیاسی لبنان بر نظام طایفه‌گری استوار است و مسئولیتهای سیاسی کشور میان فرقه‌های مارونی، سنی و شیعه تقسیم شده‌اند و بر این اساس، استخدام و به کارگیری افراد و همچنین تخصیص منابع و سرمایه‌های کشور، ناشی از اقتدار سیاسی هر یک از این فرقه‌هاست. امام صدر طی سالهای حضور خود در لبنان به مبارزه با نظام طایفه‌گری می‌پرداخت و آن را مانع شایسته‌سالاری می‌شمرد که موجب تهدید آینده لبنان خواهد شد (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۴: ۳۶۵). وی علاوه بر مخالفت با نظام طایفی، به شدت از رفتار و منش فرقه‌گرایانه و تعصب جاهلی نسبت به فرقه خود پرهیز کرده است: «دین آنگونه که خداوند اراده فرموده برای رهایی انسان از امور خاکی و خودخواهی‌ها و دسته‌بندی‌های ساختگی است و هرگز به دنبال ایجاد دسته‌بندی‌های جدیدتر و خشن‌تر میان انسانها نیست. از این رو، هر دینی ایمان آغشته به خودبینی و نژادپرستی را رد می‌کند و تعصب ورزیدن را که شرک پنهان است، نمی‌پذیرد». (همان، ۲۷۱)

چهار) مخالفت قاطعانه با تقسیم و تجزیه لبنان

یکی از فعالیتهای مهم امام صدر در خصوص وحدت‌بخشی به کشور، گوشزد کردن خطر اشغال جنوب کشور توسط رژیم صهیونیستی، جنگ داخلی و خطر تجزیه کشور به دو قطب مسیحی و مسلمان و مخالفت قاطعانه با تقسیم و تجزیه لبنان بوده است. وی در این زمینه می‌گوید: «من نخستین کسی هستم که با تشکیل حکومت خودمختار شیعی و ارتش شیعی مخالفت می‌کنم؛ زیرا از لحاظ موضوعی، تفاوتی میان حکومت مارونی و حکومت شیعی وجود ندارد». (همان، ج ۷: ۴۳)

پنج) تلاش در جهت تقریب مذاهب و فرق

صدر به گواهی تاریخ، از بدو ورود به لبنان ارتباط و تعامل گسترده‌ای با پیروان و رهبران ادیان و فرق لبنان داشته و این ارتباط در تمام مدت حضور وی در لبنان به طور وسیعی استمرار یافته است (همان، ج ۸: ۳۸۵). شاید به ندرت بتوان در تاریخ حضور صدر در لبنان، محفل و مراسمی را یافت که رهبری از رهبران ادیان و فرق دیگر در کنار وی نباشد. از سوی دیگر، «امام صدر در اقناع افراد و ایجاد محورهایی که همگان بر حول آن اتفاق کنند و انرژی آنها هدایت شود، در محیط فرقه‌گرا و قومیت‌گرای لبنان، فردی بی‌نظیر بوده است. از این رو، برخی او را پیشوایی توانمند می‌دانند که تمامی گروه‌ها را نه حول محور شخصی خود، بلکه مبتنی بر اصول و مبانی جمعی مدیریت کرده است». (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۱۸۹)

یکی از رفتارهای وحدت‌بخش صدر، تلاش برای تقریب مذاهب و فرق بوده و وی به این منظور جلسات، کنفرانس‌ها و میزگردهایی را برای نزدیک شدن آنها ترتیب داده یا در چنین مجامعی شرکت کرده است.

شش) میانجی‌گری

میانجی‌گری برای رفع اختلافات و کاستن از نزاعها، از راهکارهای مهم صدر برای وحدت‌بخشی به جامعه بوده است. وی در اشکال و سطوح مختلف به میانجی‌گری برای رفع اختلافات پرداخته است؛ از وساطت و برقراری آشتی میان دو گروه و طایفه گرفته تا اعلام آتش‌بس و خونریزی میان احزاب و اصلاح رابطه قهرآمیز و سرد میان دو دولت. نمونه‌ای از این روش، به میانجی‌گری کامل امام صدر میان دولت لبنان با جبهه مقاومت فلسطین و کشور سوریه تا از میان رفتن درگیری‌های خونین، بازشدن مرزها و از سرگیری روابط اشاره دارد. (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۳: ۱۷۳)

در طول سه سال پایانی حضور امام صدر در لبنان؛ یعنی بین سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۸ که اوج درگیری‌های داخلی و خارجی لبنان بوده است؛ مطبوعات، ۶۴ سفر خارجی و ۸۰۰ فعالیت میانجی‌گرانه شامل تماسها، دیدارها و گفتگوها با سران احزاب، مسئولان سیاسی داخلی و خارجی، سخنرانی و پیام و مصاحبه مطبوعاتی از امام صدر گزارش کرده‌اند. (همان، ج ۶، ۷، ۸)

هفت) تشکیل نشستها و کمیته‌های ملی برای خروج از بحران

صدر در پی وحدت‌بخشی به گروهها و فرقه‌های لبنان، نشستهایی ترتیب داده و گاه به توافق‌نامه‌ها و پیمان‌نامه‌هایی نیز برای تفاهم دست یافته است. تعدادی از این نشستهای مشترک و کمیته‌ها از این قرارند: «هیئت یاری جنوب» در سال ۱۹۷۱ برای حفظ کیان لبنان؛ «کمیته گفتگو» در سال ۱۹۷۵؛ «نشست سران روحانی و رؤسای طوایف لبنان» در سال ۱۹۷۵؛ «جبهه فراگیر ملی» در سال ۱۹۷۵؛ «اجلاس عرمون» در سال ۱۹۷۶ برای وحدت میان رهبران فرق؛ «شورای ملی» در سال ۱۹۷۶ برای بازگرداندن دوایر دولتی؛ «جبهه

۵۸۰ ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۷

ملی پاسداری از جنوب» در سال ۱۹۷۷ برای ایجاد همبستگی سیاسی در جنوب و «نشست رهبران فرق» در سال ۱۹۷۷ در مورد وقایع مهم کشور. (همان، ج ۶، ۷، ۸)

هشت) تماسها، سفرها و گفتگوهای منطقه‌ای و بین‌المللی صدر در جهت وحدت‌بخشی

صدر برای وحدت‌بخشی به جامعه پیچیده و بحران‌زده لبنان به تماسها، سفرها و گفتگوهای بسیاری در سطح ملی و منطقه‌ای دست زده؛ زیرا وی به خوبی از تأثیر و دخالت قدرتهای منطقه‌ای و جهانی بر معادلات لبنان آگاه بوده است. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۶ به مدت پنجاه روز بدون وقفه بین چهار کشور سوریه، مصر، کویت و عربستان در حال رایزنی و تردد بوده است و موفق شده آنها را برای تشکیل محدود کنفرانس اسلامی متقاعد کند که در نتیجه برگزاری آن، برای اعزام نیروهای بازدارنده عربی به لبنان اجماع حاصل شده و جنگ داخلی لبنان متوقف می‌شود. (همان، ج ۷، ۱۰۳-۹۱)

نه) تحصن و اعتصاب غذا برای توقف درگیری‌ها و وحدت‌بخشی به لبنان

هنگامی که در سال ۱۹۷۵ رفتارهای ایجابی وی به نتیجه نمی‌رسد، به رفتاری سلبی و قهری دست زده و در مسجد عاملیه بیروت اعلام تحصن و اعتصاب غذا می‌کند. تحصن او بازتاب گسترده‌ای می‌یابد و شخصیتها و فعالان سیاسی شیعه و سنی و روزنامه‌نگاران را گرد او می‌آورد؛ رئیس‌جمهور اقدام او را می‌ستاید و اعتصاب عمومی مردم در جنوب لبنان شکل می‌گیرد. پس از گذشت چهار روز از تحصن و ضعف شدید صدر، آتش‌بس از سوی نیروهای درگیر پذیرفته می‌شود و رئیس‌جمهور با انتخاب کابینه و نخست‌وزیر جدید موافقت می‌کند و وی از اعتصاب غذا و تحصن دست می‌کشد. (حجی کرمانی، ۱۳۶۴: ۱۵۸)

ب) تحلیل و ارزیابی

چنانکه ملاحظه شد، یکی از روشهای برجسته و شاخص صدر، روش «وحدت‌بخشی» بوده است. فارغ از آنکه خلق و خو یا تربیت خانوادگی یا تأثیرات تحصیلات آکادمیک یا حتی اقتضائات محیط لبنان را عامل روش او بدانیم، می‌توانیم با بررسی شیوه‌های رفتاری وی در این زمینه به مبانی فکری و انسان‌شناسانه او دست یابیم. با وصف محرومیت شدید شیعیان در لبنان انتظار می‌رفت که اقدامات وحدت‌بخشانه او به شیعیان منحصر شود یا فراتر از آن، به وحدت مذاهب اسلامی لبنان محدود شود؛ در حالی که بسیاری از اقدامات و رفتارهای اجتماعی وی در سطح ملی صورت گرفته است که اصولاً برای رهبری فرقه‌ای، امری غیر ضرور به نظر می‌رسد؛ نظیر دیدار با ورزشکاران اعزامی به مسابقات جهانی، حضور در باشگاههای ورزشی و مراسم بزرگداشت ورزشکاران (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۳: ۲۶، ۲۷، ۳۰) یا تلاش برای حل مشکلات صنفی اقشار مختلف اجتماع نظیر معلمان اخراج شده (همان: ۱۶۴)، کشاورزان (همان: ۹)، ماهیگیران (همان، ج ۵: ۶۴) و تنباکوکاران (عجی، ۱۹۸۶: ۱۲) یا وساطت در کینه‌جویی‌های محلی. (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۵: ۶۶)

مبنای نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی ♦ ۵۸۱

با فرض آنکه همزیستی فرقه‌ها و طوایف در لبنان، امری عادی و تجربه‌شده است، باید گفت که سایر رهبران مذهبی چنین اقداماتی نداشته‌اند. به عنوان مثال، صدر در سفر به سنگال، از مرکز مسیونری مارونی لبنان دیدن کرده است (همان، ج ۱: ۲۴۹)؛ لذا می‌توان وی را رهبری دانست که به مصالح و منافع ملی کشور توجه کامل داشته است. هدف وی از اقدامات وحدت‌بخشانه ملی، جلوگیری از خطر تفرقه و تجزیه کشور بوده است. این هدف هنگامی اهمیت می‌یابد که بدانیم لبنان کشوری کوچک اما ژئوپولیتیک در قلب خاورمیانه است که به دلایل سیاسی و اقتصادی، صحنه بروز اختلافات قدرتهای جهانی و به تبع آن درگیری‌های داخلی حزبی، جناحی و فرقه‌ای بوده است. نمونه بارز این مداخلات و تنشها، جنگ داخلی لبنان از سال ۱۹۷۵ است که نتیجه آن، سالها قتل و کشتار و بی‌خانمانی مردم و در نهایت، اشغال جنوب کشور توسط رژیم غاصب صهیونیستی بوده است. امام صدر در مورد خطر تفرقه و تجزیه کشور می‌گوید: «من برای لبنان یا هر کشور و امت دیگری خطر خارجی قابل ذکری سراغ ندارم، بلکه خطر اساسی همان خطر داخلی است. حتی دشمن همواره تلاش می‌کند از اختلافات و مسائل داخلی سوءاستفاده کند و به وسیله آن به کشور ضربه بزند... من بدین واقعیت اعتقاد دارم که امکان ندارد ملتی بر اثر خطر خارجی و دشمنان بسیار از بین برود... مهم خطر داخلی است، خطر تفرقه...» (صدر، ۱۳۹۲: ب: ۳۶۵)

امام صدر به اذعان خود، در سه جهت در پی ایجاد وحدت سیاسی در لبنان بوده است: تلاش برای یکپارچه کردن مواضع کشورهای عربی از طریق سفرهایی که به آن کشورها داشته است، ایجاد همبستگی سیاسی درون لبنان و تلاش برای راضی کردن فلسطینیان ساکن لبنان برای پایبندی به توافقات. (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۱۲: ۲۱۴)

لذا می‌توان گفت یکی از اهداف مهم صدر از فعالیتهای وحدت‌بخشانه، ایجاد «وحدت ملی» در لبنان بوده است. البته ذکر دو نکته مهم در خصوص معنای «وحدت ملی» از نظر صدر ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه، منظور وی از وحدت ملی، ذوب شدن گروهها، فرقه‌ها و ادیان در یکدیگر نیست؛ بلکه به این معناست که مسیحی، مسیحی بودن خویش و مسلمان، مسلمان بودن خود را حفظ کند و مخلصانه دست خود را به سوی برادر هموطن خود دراز کند (همان، ج ۱: ۳۴۲). دوم اینکه، وحدت ملی در دیدگاه صدر، مفهومی ژرف‌تر از وحدت منافع دارد؛ مفهومی ژرف‌تر از وظیفه احترام به قانون اساسی دارد؛ مفهومی عمیق‌تر از اعتقاد به همزیستی دارد؛ زیرا وحدت ملی در واقع وحدت نیتها و دلها و اهداف و در کل، وحدت همه شهروندان در تمام اهداف و هنجارهای کلی انسان است و از این روست که برای تحقق کامل آن، هموطنان باید به یکدیگر احترام بگذارند و هر فرد، موجودیت، اندیشه، گذشته و اعتقادات دیگری را محترم بشمارد. (همان، ج ۲: ۱۶۱)

مورد دیگری که در روش وحدت‌بخشی صدر توجه به آن ضروری است، نگرش وی نسبت به تعدد و تنوع فرقه‌هاست. صدر در سخنرانی مفصلی با عنوان «فرق، پنجره‌های تمدن»، وجود فرقه‌های گوناگون را

در یک جامعه، نوعی فرصت تلقی می‌کند. به نظر می‌رسد این نگرش، از دو ضرورت عمده ریشه می‌گیرد: ضرورت اول، لزوم وحدت و همبستگی ملی مردم در مقابل دشمنان است: «فرقه‌های مذهبی لبنان به سبب نفوذ عمیقی که در جهان دارند، می‌توانند اجماعی جهانی را در مقابل دشمن در کمین؛ یعنی اسرائیل رقم بزنند» (همان: ۴۹) و از این نظر، فرقه‌های لبنان در صورت اتحاد با هم، توان بسیج نیروهای جهانی را خواهند داشت که از شوروی با اکثریت ارتدوکس و اروپا و آمریکا و آسیا با اکثریت کاتولیک گرفته تا جوامع اسلامی، موجی بنیان‌برافکن از حمایتها را شکل می‌دهند. (همان: ۱۹۶)

اما ضرورت دوم، ناشی از نگاه کل‌گرایانه صدر به مسائل و نیز نگرش اجتماعی اوست. «امام صدر توجه به هر جزء را در تمامیت آنچه که می‌تواند کل و یکپارچگی ایجاد کند، ضروری می‌داند» (میری، ۲۰۰۰: ۲۸). به عبارت دیگر؛ وی به نقش و ضرورت هر فرقه در یکپارچگی کل کشور توجه کامل دارد. نقشی که وی برای فرقه قائل است، فرصتی است که آن فرقه برای پیشرفت انسانیت و جامعه فراهم می‌کند. هر فرد به مثابه دروازه و پنجره‌ای است که امکان تبادل دانش و دانسته‌ها و اطلاع از تغییرات جهان پیرامون را فراهم می‌آورد، از آن حیث که تمدنی از تمدنهای جهانی است. از نظر صدر، ملیت، نژاد یا دین، عامل پیدایش جوامع انسانی نبوده است، بلکه «تعامل مثبت میان فرد و فرد، اقلیم و اقلیم، گروه و گروه، فرقه و فرقه، حزب و حزب با همه تفاوت‌هایشان، راز شکل‌گیری جامعه است» (ضاهر، ۲۰۰۰، ج ۲: ۲۳۱). از سوی دیگر، تعامل که موجب شکل‌گیری جامعه می‌شود، در صورت تنوع رخ می‌دهد؛ یعنی اساساً تنوع است که عامل نیاز انسانها به یکدیگر و تعامل می‌شود و ارتباط محکمی میان آنها پدید می‌آورد تا جامعه شکل گیرد. پس تنوع ذاتاً نمی‌تواند موجب اختلاف و تفرقه میان انسانها باشد. (همان: ۳۵۸)

با این نگرش صدر، «هر فرقه هر چند کوچک، صاحب تجارب، دستاوردها، اکتشافات، کتابها و عالمانی است که بشریت از آن بی‌نیاز نیست و وظیفه تعاون و همکاری و به عبارت دیگر؛ دادوستد میان انسانها را تسهیل می‌کند. به طور مثال، هر فرقه‌ای در کشور، صاحب آموزشگاهها، مدارس، تجارب و میراث و فرهنگ و تاریخی است که به غنای وطن می‌افزاید» (همان: ۳۶۱). بر این اساس، هر آنچه مانع این دادوستد و تبادل تواناییها و شایستگیها و امکانات شود، بیماری و آفت جامعه به حساب می‌آید.

لذا می‌توان گفت که امام صدر به تعدد فرق به عنوان فرصتی برای رشد و پیشرفت جوامع می‌نگرد و آن را امری الهی می‌شمرد؛ از آن جهت که اگر خداوند می‌خواست، انسانها را امت واحده قرار می‌داد (مانده: ۴۸)؛ در حالی که خواسته است تفاوت راهها و شریعتها و شیوه‌ها، راهی برای انگیزه‌ها و تولید بیشتر و مسابقه جدی‌تر شود تا حس رقابت میان ابنای بشر، ابزاری برای واداشتن انسان به سازندگی و پیشرفت شود (همان). هر چند تعدد فرق می‌تواند به واسطه میل بشر به فزون‌طلبی، پایگاهی برای سوءاستفاده و شرارت و ابزاری برای تعصب و تحریک خطرناک‌ترین خصومت‌هایی شود که رنگ قداست دارد؛ اما این ظرفیت و قابلیت فرق برای سوءاستفاده، نمی‌تواند مانع استفاده از این ثروت عظیم بشری شود. (همان: ۳۶۲)

مبنای نظری و روش‌های عملی امام موسی صدر در ایجاد وحدت ملی ♦ ۵۸۳

نکته مهم دیگر، رابطه حاکمیت و وحدت ملی با تعدد فرق است. یکی از شبهه‌هایی که همواره در جوامع متنوعی چون لبنان مطرح می‌شود، این است که استحکام و دوام نهاد مدرن که حاکمیت و دولت نماد آن است و حتی وحدت ملی کشور، می‌تواند با تعدد فرق خدشه‌دار شود؛ به خصوص اگر حاکمیت به بهانه حفظ اقتدار و وحدت کشور در پی حذف و تحریک اقوام و فرق برآید یا اینکه آزادی‌های فرقه‌ای آنها را محدود یا خطرناک‌تر اینکه، آنان را از حقوق عادلانه و برابر خویش با دیگران محروم کند. در این صورت، آن فرقه می‌تواند خطری برای تمامیت ملی به حساب آید و در پی کسب قدرت بیشتر و خودمختاری برآید.

این شبهه به نوع دیگری نیز می‌تواند مطرح شود و آن اینکه، گرایشهای فرقه‌ای افراد می‌تواند موجب ضعف احساسات ملی و میهنی ایشان شود. امام صدر با این نگرش که تعدد فرق به ضعف حاکمیت و وحدت ملی می‌انجامد به شدت مخالف است. از نگاه صدر، اولاً «آنچه که می‌تواند برای منافع و وحدت ملی خطرناک باشد، فرقه‌گرایی سیاسی است و نه تعدد فرق» (همان: ۳۶۳) و از سوی دیگر، آنچه می‌تواند به رابطه فرقه‌ها با هم و یا رابطه حکومت با فرق خدشه وارد سازد و احساسات ملی و میهنی افراد را تضعیف کند، همانا احساس عدم برابری و عدالت از سوی ایشان است؛ به این معنا که اگر حکومت مرکزی، نظامی شایسته‌سالار باشد و مبنای قرار گرفتن هر فرد در هر مسئولیتی بر اساس شایستگی‌ها و توانایی‌های او باشد، جامعه‌ای برتر شکل می‌گیرد که تعدد و تنوع فرقه‌های آن نمی‌تواند خدشه‌ای به وحدت و حاکمیت ملی کشور وارد سازد.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان در گفت‌وگو با امام صدر، وحدت جامعه انسانی را با تنوع و تعدد فرق متباین ندانست، بلکه وجود فرقه‌ها و گروه‌ها را به عنوان فرصتی برای تشکیل جامعه انسانی و تعالی آن غنیمت شمرد. از این منظر، هر نظام فرقه‌گرایانه‌ای که حق تعامل و پیشرفت را از جامعه بگیرد، مخالف ذات اجتماعی انسان است.

بر این اساس می‌توان رفتارهای خصمانه امام صدر با دولت غاصب صهیونیستی را تبیین کرد. رژیم اشغالگر قدس از نظر صدر، نه تنها دولتی مذهبی نیست، بلکه دولتی آپارتاید و فرقه‌گراست؛ دولتی که نژاد خود را برترین نژاد می‌پندارد و نه تنها از تعامل صحیح با دیگر فرقه‌ها و مذاهب رویگردان است، بلکه اندیشه حذف و طرد و نابودی غیر خود را در سر می‌پروراند. چنین رژیمی محل ارتباطات و تعاملات جامعه

انسانی و مانع شکل‌گیری آن است. لذا چنین اندیشه نژادپرستانه‌ای از نظر صدر، «شراً مطلق است و بایستی از میان برود». (حجتی کرمانی، ۱۳۶۴: ۷۸)

ج) نتیجه‌گیری

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، در دوره رهبری خود از عناصر ملیت و میهن‌پرستی، عربیت و دین و مذهب برای وحدت‌بخشیدن به جامعه متکثر و متنوع لبنان بهره گرفت و سعی در وحدت‌بخشیدن به طوایف، مذاهب و فرق، ادیان و گروه‌های سیاسی لبنان داشت. وی در زمینه لزوم وحدت، به همه اقشار آگاهی بخشی کرده و مردم را به میهن‌دوستی و حفظ حاکمیت ملی دعوت کرده است؛ در جهت تقریب مذاهب و فرق لبنان کوشیده است؛ برای رفع اختلافات میانجی‌گری کرده است؛ نشستها و کمیته‌هایی برای خروج از بحران تشکیل داده و تماسها، سفرها و گفتگوهای منطقه‌ای و بین‌المللی برای توقف درگیری‌ها انجام داده است. هدف صدر از همه این تلاشها، ایجاد وحدت ملی در لبنان بوده است. تعدد فرقه‌ها در لبنان از نظر صدر، نوعی فرصت بوده که اولاً، به سبب نفوذ عمیقی که در جهان دارند، امکان اجماع و حمایت جهانی از لبنان را فراهم می‌کرده‌اند و ثانیاً، دریچه‌هایی از تمدن جهانی را به روی لبنان می‌گشوده‌اند که به واسطه آنها مردم لبنان بتوانند از دستاوردهای تمدن بشری بهره‌گیرند. از نظر صدر، آنچه می‌تواند مذموم باشد، فرقه‌گرایی است نه تعدد فرقه‌ها.

پیشنهادها

حضور اقلیتها در ایران می‌تواند از سوی مسئولان کشور فرصتی مغتنم به شمار آید؛ فرصتی که امکان استفاده از منابع، امکانات و دستاوردهای جوامع وابسته به آنها را فراهم می‌آورد. در این روش، اقلیتها به مثابه کانالهایی ارتباطی اند که فرصتهای تعامل با جوامع پیرامونی را حاصل می‌کنند. به عنوان مثال، حضور اهل تسنن، به خصوص در جنوب و غرب کشور، فرصتی است که به وسیله آن می‌توان تصورات غیر واقعی جامعه اهل تسنن دنیا را در مورد شیعیان ایران از میان برد. لازمه خلق چنین فرصتی، اعطای آزادی و حقوق برابر اجتماعی است. تحقق عدالت اجتماعی برای اقلیتها و نیز تکیه بر مشترکات فرقه‌های گوناگون و تقویت حس میهن‌پرستی در ایرانیان، از مؤلفه‌های ضروری وحدت‌بخشی به مردم ایران است. در این صورت، نه تنها وجود اقوام و اقلیتها فرصتی برای رشد کشور خواهد بود، بلکه از بروز و حضور جریانهای تندرو و تکفیری خواهد کاست. ناگفته پیداست که لازمه اعطای فرصتهای برابر اجتماعی به اقلیتها و فرقه‌ها، محترم شمردن شأن انسانی هر یک از هموطنان است؛ حقیقتی که امام موسی صدر به آن ایمان داشته است.



منابع

- حجتی کرمانی، علی (۱۳۶۴). لبنان به روایت امام موسی صدر و دکتر چمران. تهران: قلم.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۰). پیشوایی فراتر از زمان؛ درآمدی بر نظام فکری و سیره عملی امام موسی صدر. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۳۹۲/الف). «ادیان در خدمت انسان». برخی سخنرانی‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها و بیانیه‌های امام موسی صدر. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (۱۳۹۲/ب). نای و نی، جستارهایی درباره اسلام، انسان، لبنان و مقاومت. ترجمه علی حجتی کرمانی. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- فرخیان، مهدی (۱۳۸۵). اندیشه ربوده شده. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- کمالیان، محسن (۱۳۸۸)، فریاد در خاموشی، تهران، ناشر: مولف، چاپ زیتون
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۰). یاران امام به روایت اسناد ساواک: امام موسی صدر. ج سوم. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- ضاهر، یعقوب (اعداد و توثیق) (۲۰۰۰). مسیره الامام السید موسی الصدر. المجلد الاول الى المجلد الثامن. بیروت: دار بلال
- Ajami, Fouad (1986). **The vanished Imam**. United States of America: Cornell University Press
- Farrokhian, Mahdi (2006) ,**Andishe robode shode** Tehran: Imam Mussa Sadr cultural research institute
- Hodjatie Kermani, Ali (1985), **Lebanon be ravayate Imam Mussa Sadr and Chamran**, Tehran: Qalam
- Miri, Sayyed javad (2000). **Sociological Imagination in Sadrian paradigm**: United States of America: Xlibris corporation: Institute for cultural studies
- Sadr, Mussa (2013), **Adyan dar khedmate ensan**, Tehran: Imam Mussa Sadr cultural research institute
- Sadr, Mussa (2013), **Naay-O Ney**, translated by Ali Hodjati Kermani, Tehran: Imam Mussa Sadr cultural research institute
- Sariolghalam, Mahmood (2011), **Pishvaei Faratar az Zaman**, Tehran: Imam Mussa Sadr cultural research institute
- The Center of Historical Analyse documents (2001), **Yarane Imam be ravayate asnade Savac: Imam Mussa Sadr**, Vo. 13, Tehran: the Center of Historical Analyse documents

